

متن پرسش

با سلام خدمت شما استاد عزیز: شما در همه صحبت‌هایتان تکیه کلامتان افق انقلاب و آینده روشن انقلاب تحت زعامت آقای خامنه ای هست. من می‌خواهم از حضرتعالی بپرسم و شما هم جواب بدین که قانع بشم شاید هدایت بشوم. اما لطفاً توجیه نفرمایید و سوال منم پخش کنید تا دیگران هم ببینند افق انقلاب بعد از ۴۳ سال بدبختی یک ملت و یک کشور و پایمالی خون شهدایی مثل خرازی و باکری و چمران و همت است. افق انقلاب اینست که پسران و دختران بدلیل سو مدیریت نمی‌توانند ازدواج کنند و خانواده دچار اضمحلال شده است. افق انقلاب اینست که شما سری بزیند به سایت‌ها و گروه‌های مجازی ببینید دختران بیست سال و نوزده سال دکان باز کرده اند و روزانه نوبت می‌دهند برای صیغه شدن، افق انقلاب اینست که مسجد دانشگاه اصفهان ۶ نفر در صف نمازجماعت هستند و بقیه جاهها هم وضع بهتری ندارند. صبح که از خواب بیدار می‌شود قیمت حداقل مایحتاج زندگی چند برابر شده است. افق اینست که زن‌های شوهردار تن‌فروشی می‌کند تا مخارج خانواده اش را تامین کند. پیاده شدن اسلام اینست که کسی برای اعتراض به بیکاری و فقر و گرانی در خیابان فریاد می‌زند و اعتراض می‌کند بعد او را می‌گیرند و برایش زندان می‌برند و بعد هم آقای محسنی اژه ای منت سرش می‌گذارد و عفوش می‌کند بعد می‌گویند ما احکام اسلام را پیاده نمودیم. کجای اسلام و سیره اهل البیت اینچنین بوده است؟ افق انقلاب اینست که افراد مذهبی و ریشه دار به خاطر رفتار حاکمان نماز و روزه را کنار گذاشته و از دین اسلام زده شده اند، آبروی اسلام و مسلمانی و انسانیت را اینان بردن و بدتر از این هم می‌کنند و هزاران هزار دیگر که همه می‌دانند و حضرتعالی هم می‌دانید ولی نمی‌دانم جواب خدا را چه می‌دهید که علناً از ظلم و ستم موجود حمایت می‌کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً به جهت آن‌که بنده در جریان این امور هستم و قبل از انقلاب هم مدتی در تهران زندگی می‌کردم و فجایع آن زمان را نیز مشاهده نمودم؛ و تا حدی وضع جهانی که در آن زندگی می‌کنیم را می‌شناسم؛ عرض می‌کنم برای عبور از این مشکلات باید به انقلاب اسلامی نظر داشت. به این معنا که ما تنها بیش از دو تاریخ در مقابل‌مان نداریم. با نظر به شخصیت حاج قاسم سلیمانی و برخوردی که آمریکا با او انجام داد، ما باید متوجه باشیم تنها بیش از دو تاریخ در مقابل‌مان نیست و با توجه به این‌که انسان موجودی است تاریخی و «تفکر» نیز امر تاریخی می‌باشد؛ خود را در کلیت یکی از این دو تاریخ می‌توانیم معنا کنیم و این‌جا است که با حضور در تاریخی غیر از

تاریخی که حاج قاسم به آن تعلق دارد، باید مریم رجوی را به عنوان رئیس جمهور بپذیریم، به عنوان حضور در تاریخی که مقابل جمهوری اسلامی است. از این جهت است که ابتدا و به صورت کلی باید در نزد خود مشخص کنیم به کدام تاریخ در این زمانه تعلق داریم، وگرنه با اکنون زدگی و بی‌تاریخی، آن‌چنان دچار پوچی و سرخوردگی می‌شویم که نمی‌توانیم «خود» را ادامه دهیم و مانند آقای محمد مرادی به دنبال بهانه‌ای هستیم تا خودکشی کنیم حتی اگر بهانه ما دفاع از شعار «زن، زندگی، آزادی» باشد. موفق باشید